**٩٢ - کسب و ترقّيات مستمره نفس انسانی در عالم ديگر**

و در توقيعی از حضرت نقطه است. قوله الاعلی: "ان اهل الجنة يترقی فی الجنان بفضل الله الی ما لا نهاية بما لا نهاية لها لان فيض الله لا زوال له و ان الله لن يفنی ابدا فی شأن و ان الله قد خلق الاشياء للبقاء و ما کان لفيضه تعطيل و لا فناء و ان سبب ترقّی دارالاخرة للعبدان يخلص نيته فی علمه لله بالدوام لازلية ربه فاذا خلص نيته بذلک الشأن يترقی فی مقام الجنان بامر الله و لا نفاد له و کان الله ربک علی کلّشيئی قديرا."

و از حضرت عبدالبهاء در مفاوضات است. قوله العزيز: "پس ثابت شد که حرکت ملازم وجود است يا رو بسموّ است يا رو بدنوّ پس روح بعد از صعود چون باقی است لابد رو بسموّ است يا رو بدنوّ و در آنعالم عدم سموّ عين دنوّ است ولی از رتبه‌اش نميگذرد و در رتبه خودش ترقّی دارد مثلا روح حقيقت پطرس هر چه ترقّی کند برتبه حقيقت مسيحی نميرسد در دائره خودش ترقّی دارد ... حواريون هرچه ترقّی ميکردند مسيح نميشدند کمالات انسانيّه غير متناهی است مثلا هر قدر عالم باشد مافوق آن تصوّر توان کرد چون کمالات انسانيّه غير متناهی است پس بعد از صعود از اينعالم ترقّی در کمالات توان نمود."

و در خطابه ای از آنحضرت است. قوله المتين: "روح انسانی بعد از انقطاع از اين جسد همواره رو بترقّی است چه که کمالات نامتناهی است اين است که در اديان الهی از برای نفوس متصاعده امر بر خيرات و مبرات است زيرا سبب علوّ درجات است و طلب عفو و مغفرت است ... در عالم ارواح تناقص و تدنّی نيست مثل اينکه عقل و علم انسان دائماً رو بتزايد است."

\*\*\*\*حاشیة\*\*\*\*

کراميه و مشبهه از مسلمين رؤيت ذات حقّ را ممکن گفتند و معتزله مطلقا محال شمرده‏اند و ابوحنيفه گفت که در آخرت برای مؤمنين مانند شب چهارده عيان ميشود و گروهی بآيات قرانيه لا تدرکه الابصار و هو يدرک الابصار و نيز لن ترانی يا موسی در نفی رويت استشهاد کردند و فرقه مخالف بآيه قرانبه وجوه يومئذ ناضره الی ربها ناظره و سئوال موسی رب ارنی و غير ذلک در اثبات رويت استدلال نمودند.

در قران است قوله تعالی: لقد کنت فی غفلة من هذا فکشفنا عنک غطاءک فبصرک اليوم حديد و بعضی چنين تفسير کردند معناه الاخبار عن قوّة المعرفة و ان الجاهل بالله تعالی فی الدنيا يکون عارفا فی الاخرة